

## حق بر شنیده شدن کودکان در اسناد بین المللی و جایگاه آن در فرآیند دادرسی کیفری ایران

دکتر سالار صادقی<sup>۱</sup> / علی صفر اورنگی<sup>۲</sup>

\* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۵ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۹

### چکیده

این مطالعه به بررسی حق بر شنیده شدن کودکان که در ماده ۱۲ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ مورد اشاره واقع شده است و همچنین جایگاه آن در فرآیند دادرسی کیفری ایران می پردازد. این حق در کنار حقوق دیگر از قبیل عدم تبعیض، رشد، بقا، زندگی، منافع عالییه، دسترسی آزاد به اطلاعات و آزادی بیان به عنوان حقوق بنیادین و اصلی کودکان شناخته می شوند. این حق برای اولین بار در کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ میلادی مورد توجه قرار گرفت و در اسناد بین المللی قبل از این کنوانسیون که راجع به حقوق کودک بود مغفول مانده بود. شناسایی این حق بسیار مفید است چرا که کودکان به عنوان موجودی فعال و موضوع تصمیم گیری ها شناخته می شوند و نظرات آنان از سوی مقامات ذیصلاح شنیده می شود. با شناسایی این حق، دیدگاه سنتی که مبنی بر این بود کودکان شخصیتی غیر مستقل و وابسته به بزرگسالان دارند تعدیل یافته و متعاقب آن حق مشارکت فعال در تصمیم گیری ها به کودکان داده می شود. در قوانین داخلی کشور ما این حق در بند ۸ ماده ۲ آیین نامه اجرایی ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹ مورد اشاره واقع شده است. از آنجایی که قلمرو این حق وسیع است و در هر مرحله از مراحل دادرسی کیفری جلوه ای خاص به خود می گیرد، باید با دقت در مقررات پی برد تا چه اندازه کودکان در فرآیند دادرسی کیفری از این حق بهره مند هستند.

**واژگان کلیدی:** حق بر شنیده شدن کودکان، حق آزادی بیان، فرآیند دادرسی کیفری، کنوانسیون حقوق کودک.

<sup>۱</sup> مدرس دانشگاه، دکتری تخصصی حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.  
salar.n1371@gmail.com

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری اطفال و نوجوانان، دانشکده حقوق، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.  
(نویسنده مسئول)



## مقدمه

اگر از منظر تاریخی به شناسایی حق بر شنیده شدن کودکان پرداخته شود، نمایان می شود که تا قبل از تصویب کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ میلادی، خواه در اسناد بین المللی عام که موضوع آنها فارغ از سن و جنسیت اشخاص درباره نوع بشر است از قبیل: اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، خواه در اسناد بین المللی خاص که موضوع آنها به طور اختصاصی راجع به کودکان است از قبیل: اعلامیه حقوق کودک ۱۹۲۴، اعلامیه حقوق کودک ۱۹۵۹ این حق مورد شناسایی واقع نشده بود و برای اولین بار این حق در کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ مورد شناسایی قرار گرفت. ماده ۱۲ کنوانسیون مذکور که غالباً با عناوینی همچون حق استماع کودکان،<sup>۱</sup> حق بر شنیده شدن کودکان و یا احترام به نظرات کودکان شناخته می شود، در دو بند راجع به این حق مقرر می دارد: (۱) کشورهای طرف کنوانسیون تضمین خواهند کرد کودکی که قادر به شکل دادن به عقاید خود می باشد بتواند این عقاید را آزادانه درباره تمام موضوعاتی که مربوط به وی می باشد ابراز کند، به نظرات کودک مطابق با سن و بلوغ وی بها داده می شود. (۲) بدین منظور خصوصاً برای کودک فرصت هایی فراهم آورده می شود تا بتواند در هر یک از مراحل دادرسی های اجرایی و قضایی مربوط به وی به طور مستقیم یا از طریق نماینده یا شخصی مناسب به طریقی که مطابق با مقررات اجرایی قوانین ملی باشد ابراز عقیده نماید.

آنچه که از این ماده استنباط می شود، این است که قلمرو اعمال این حق بسیار وسیع بوده و تمامی مسائلی که مربوط به کودکان<sup>۲</sup> است از قبیل: خانواده، مدرسه، رسانه، سیستم قضایی و اداری، امور مهاجرت و پناهندگی و نیز محیط کار را شامل می شود.<sup>۳</sup> این حق به علت وسیع بودن قلمرو، در هر مسأله ای که مربوط به کودکان است شکلی متفاوت خواهد داشت. مثلاً در محیط مدرسه اجازه تشکیل شورا های دانش آموزی یا در سیستم قضایی داشتن حق شکایت توسط کودکان و یا در سطح کلان جامعه تشکیل پارلمان کودکان و دادن حق رأی به کودکان شکلی از این حق بر شنیده شدن خواهد بود. به خاطر همین گستردگی قلمرو نمی توان تعریف دقیقی از این

<sup>۱</sup> The right of the child to be heard.

<sup>۲</sup> در این مطالعه به تبع واژه انگلیسی (child)، که شامل همه افراد زیر ۱۸ سال می شود از واژه کودک استفاده شده است. بدیهی است در حقوق ایران به افراد بالغ زیر ۱۸ سال نوجوان و به افراد نا بالغ طفل اطلاق می گردد. ر.ک به بند الف و ب ماده ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹.

<sup>۳</sup> برای مطالعه بیشتر راجع به قلمرو این حق ر.ک به کتاب ( Implementation Handbook for the Convention on the Rights of the Child) صفحه ۱۶۲ به بعد.



حق ارائه داد، لکن مفهوم این حق به این صورت است که کودکان در تمامی زمینه‌ها و مسائلی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم حقوق آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد حق اظهار عقیده خواهند داشت، اظهارات آنان مورد استماع واقع خواهد شد و در آخر به آن اظهارات از سوی افرادی که ملزم به استماع کودکان هستند، ترتیب اثر داده خواهد شد به نحوی که هر تصمیمی راجع به کودکان گرفته شود باید مبتنی بر اظهارات و خواسته‌های آنان باشد.

شناسایی این حق از دو جهت واجد اهمیت است، چرا که اولاً تضمین کننده یک دادرسی منصفانه است؛ حق داشتن یک دادرسی منصفانه<sup>۱</sup> که در اسناد بین المللی نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و منشور آفریقایی حقوق بشر ذکر شده است (محمدعلی زاده اشکلک و رشیدی، ۱۳۹۸، ۱۵۵) و با وجود این که در این اسناد به حق بر شنیده شدن به عنوان تضمین کننده یک دادرسی منصفانه اشاره نشده است، اما از این حیث که این حق در فرایند دادرسی کیفری موجد حقوقی برای کودکان است می‌تواند تضمین کننده یک دادرسی منصفانه باشد. دوماً شناسایی این حق و اجازه صحبت کردن، مشارکت و احترام به نظرات کودکان برای دموکراسی مفید است.

کشورهایی که این کنوانسیون را امضاء نموده‌اند، ملزم هستند این حق را در قوانین داخلی خود شناسایی کنند، چرا که این حق از اصول مهم کنوانسیون و جزء لاینفک آن محسوب می‌شود. کشورهای از قبیل: جمهوری چک و پادشاهی متحده بریتانیا و ایرلند شمالی که کنوانسیون را امضاء نموده‌اند، در قوانین داخلی خود نیز این حق را شناسایی کرده‌اند. بند ۱ ماده ۸۶۷ قانون مدنی جمهوری چک در این باره مقرر می‌دارد: کودکان در دادرسی‌هایی که بر حقوق آنان تأثیر می‌گذارد حق شرکت در جلسات و ابراز آزادانه عقاید و دسترسی به اطلاعات را دارند، بند ۲ این ماده نیز مقرر می‌دارد: دادگاه به نظرات کودکانی که توانایی پذیرش اطلاعات و ابراز عقاید خود را دارند احترام می‌گذارد و اصل بر این خواهد بود همه افراد بالای ۱۲ سال این توانایی را دارند. (Janočková & other, 2017, 4) همچنین در قسمت الف بند ۳ ماده اول قانون کودکان انگلیس مقرر شده است که دادگاه باید با توجه به فهم و سن کودک، خواسته‌های او را مد نظر قرار دهد. (Janočková & other, 2017, 12) این موارد نشان دهنده این است که در جمهوری چک و همچنین انگلستان حق استماع کودکان به رسمیت شناخته شده است با این تفاوت که در

<sup>1</sup> Right to a fair trial.



جمهوری چک حداقل سن ۱۲ سال برای این حق تعیین شده است، اما در انگلستان سنی تعیین نشده است و قضات با توجه به فهم و سن کودکان خواسته های آنان را مد نظر قرار می دهند.

با توجه به مطالب فوق پرسش های مهم و قابل مطالعه ای مطرح می شود: با وجود حق آزادی بیان چه لزومی بر شناسایی حق بر شنیده شدن بود؟ حق بر شنیده شدن کودکان چه تفاوتی با دیگر اصول و حقوق دارد؟ حق بر شنیده شدن مختص کودکان است یا بزرگسالان نیز از آن بهره می برند؟ در حقوق داخلی ایران بالاخص در فرآیند دادرسی کیفری تا چه اندازه این حق مورد شناسایی واقع شده است؟

بررسی پیشینه تحقیق در این خصوص نشان از این دارد که در مطالعات داخلی حق بر شنیده شدن کودکان و همچنین جایگاه آن در فرآیند دادرسی کیفری مورد مطالعه قرار نگرفته است و از این حیث موضوع این مطالعه جدید و به روز است. لکن تحقیقی که در ارتباط با موضوع این مطالعه صورت گرفته است تحت عنوان «مطالعه تطبیقی حق مشارکت کودکان در دعوی حضانت با تأکید بر کنوانسیون حقوق کودک» است که مشارکت کودکان در دعوی حضانت را بررسی می کند، در کنار این تحقیق، مطالعه دیگری تحت عنوان «ارائه دیدگاه ها، نگرانی ها و مشارکت در فرآیند کیفری به مثابه حق شنیده شدن کودکان بزه دیده: با رویکردی تطبیقی به اسناد بین المللی و سامانه حقوقی ایران» وجود دارد که حق بر شنیده شدن کودکان در فرآیند دادرسی کیفری را به طور اخص در مورد بزه دیدگان بررسی کرده است. تفاوتی که این مطالعه نسبت به مطالعات فوق الذکر دارد این است که در این مطالعه به مبانی حق بر شنیده شدن کودکان، تفسیر کمیته حقوق کودک از این حق که اصلی ترین مرجع در تفسیر مفاد کنوانسیون حقوق کودک است و همچنین جایگاه این حق در فرآیند دادرسی کیفری که به علت وسیع بودن قلمرو آن می تواند به اشکال گوناگون در هر مرحله از فرآیند دادرسی کیفری ظاهر شود، پرداخته شده است.

به عنوان سخن آخر از آنجایی که بزهکاری کودکان بیشتر جنبه انحراف از قبیل مدرسه گریزی، خانه گریزی و مصرف دخانیات دارد (نجفی ابرند آبادی و هاشم بیکی، ۱۳۹۷، ۱۷۸) و از سوی دیگر پیشگیری رشد مدار که ناظر بر تعلیم و تربیت کودکان در محیط مدرسه و خانواده است تا زمینه های بزهکاری آنان را در این محیط ها خنثی کند. (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸، ۵۲) لذا حق بر شنیده شدن می تواند در پیشگیری از بزهکاری و یا بزه دیدگی کودکان مؤثر واقع شود. در این مطالعه با محوریت حق بر شنیده شدن به بررسی مبانی، تفسیر کمیته حقوق کودک و جایگاه آن در فرآیند دادرسی کیفری ایران به ترتیب در بند های اول تا سوم پرداخته شده است.



## ۱- مبانی

آنچه که از کنوانسیون حقوق کودک استنباط می شود و کمیته حقوق کودک نیز بر آن تأکید می کند الزامی بودن این حق است. علاوه بر این علم روانشناسی، روانکاو و همچنین علوم تربیتی استماع کودکان را یکی از نیازهای اساسی آنان معرفی می کنند. (Bosisio, 2012, 142) علی ای حال در این گفتار مبانی این حق که عبارت اند از: حق آزادی بیان، حق مشارکت و احترام به نظرات کودکان مورد بررسی قرار گرفته است.

## ۱-۱- حق آزادی بیان

یکی از حقوق اساسی و بنیادین بشر حق آزادی بیان است.<sup>۱</sup> تمامی افراد بشر به دلیل آنچه که انسان بودن نامیده می شود، فارغ از سن، جنسیت، نژاد و زبان از این حق برخوردار هستند. آزادی بیان با هشت مؤلفه اصلی شناخته می شود، که عبارت اند از: همه به طور برابر از این حق برخوردارند، دامنه جغرافیایی این حق نامحدود است، دامنه ماهوی این حق شامل تمامی اطلاعات و اظهارات می شود، این حق شامل حق بر استماع و حق بر گفتن می شود، تمامی دولت ها ملزم به رسمیت شناختن این حق هستند، شیوه اظهار و ابراز عقاید نامحدود است، دولت ها نباید این حق را محدود کنند، یک تکلیف ایجابی برای دولت ها ایجاد می کند. (ملکوتی و دیگران، ۱۳۹۵، ۱۵۸) این حق در اسناد بین المللی نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و همچنین اعلامیه حقوق بشر اسلامی مورد شناسایی و تأکید قرار گرفته است. اسلام نیز آزادی بیان را به صورت طبقه بندی شده تأیید می کند و سعی در ایجاد زندگی مسالمت آمیز در جامعه با تشویق افراد به رعایت ادب و اصول اخلاقی دارد. (Bahat, 2014, 76) از منظر اسلام آزادی بیان همراه با محدودیت هایی از قبیل گفتار توهین آمیز، تحقیر آمیز و سرزنش خواه در محضر افراد، خواه در پشت سر آنان مواجه است. (Kamali, 2014, 48) در نتیجه با آن که اسلام برای آزادی بیان ارزش و قداست خاصی قائل است و در قرآن و احادیث اسلامی به این حق اشاره شده است، اما در اسلام این حق تحدید حدود شده است. در قوانین داخلی ایران نیز حق آزادی بیان تا آنجایی که محل بر مبانی اسلام نباشد به رسمیت شناخته شده است. حق آزادی بیان از آنجایی که اجازه دریافت آزادانه اطلاعات و ابراز آزادانه عقاید را می دهد، به عنوان یک مبنا در حق

<sup>1</sup> The right to freedom of expression.



بر شنیده شدن در نظر گرفته می شود. بنابراین این دو حق با هم در ارتباط بوده و در راستای هم قرار دارند به نحوی که برای نیل به حق بر شنیده شدن کودکان باید حق ابراز آزادانه عقاید برای آنان در نظر گرفت. ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که حق بر شنیده شدن کودکان الزامی در جهت احترام به نظرات کودکان به وجود می آورد که باعث می شود مقامات در تمامی تصمیمات مربوط به کودکان اظهارات آنان را مورد لحاظ قرار دهند در صورتی که چنین الزامی در حق آزادی بیان دیده نمی شود. بنابراین ایجاد یک التزام در شنیدن عقاید کودکان و اعمال آن عقاید در تصمیمات مربوط به کودکان باعث شد در کنار حق آزادی بیان، حق بر شنیده شدن کودکان نیز شناسایی شود. با این توضیحات و با این پیش فرض که موضوع ما در رابطه با فرآیند دادرسی کیفری است، تمامی موارد ذکر شده در رابطه با حق آزادی بیان در فرآیند دادرسی کیفری نیز حاکم می باشد. در قوانین داخلی ایران نیز متهم و شاکی در اظهارات خود تا آنجایی که اظهاراتشان مخالف با شرع اسلام و مشتمل بر امر حرامی نباشد، آزادند. درست است که در قوانین داخلی ایران حق آزادی بیان به طور صریح برای کودکان شناخته نشده است، لکن قواعد عمومی تا آنجایی که یک قاعده اختصاصی راجع به کودکان تصریح نشده باشد، در حقوق آنان نیز مجراست.

#### ۱-۲- حق مشارکت

از دیگر مبانی حق بر شنیده شدن حق بر مشارکت می باشد.<sup>۱</sup> لازمه اعمال حق بر شنیده شدن اجازه دادن به مشارکت کودکان در مسائل و موضوعات مربوطه است. یکی از مسائل مربوطه مشارکت در فرآیند دادرسی کیفری است. اصل دادرسی منصفانه که در ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مورد تأکید واقع شده ایجاد می کند افراد در فرآیند دادرسی کیفری شرکت داشته باشند. (Daci, 2008, 97) مشارکت کودکان در فرآیند دادرسی کیفری جنبه اساسی دادرسی منصفانه در سیستم عدالت کیفری کودکان است. (Forde, 2018, 265) در اسناد بین المللی که به طور خاص راجع به کودکان است، نظیر کنوانسیون حقوق کودک (ماده ۴۰)،<sup>۲</sup> قواعد پکن (ماده ۱۴)<sup>۳</sup> حق مشارکت در فرآیند دادرسی مورد تأکید قرار گرفته است.

<sup>1</sup> The Right to Participate.

<sup>2</sup> Convention on the Rights of the Child (1989).

<sup>3</sup> United Nations Standard Minimum Rules for the Administration of Juvenile Justice (The Beijing Rules) (1985).



رهنمودهای ریاض<sup>۱</sup> نیز پارا فرائتر گذاشته و در بند ۳ بر اهمیت مشارکت کودکان در پیشگیری از جرم تأکید می‌کند. همراه با حق مشارکت در فرآیند دادرسی کیفری نحوه مشارکت در فرآیند دادرسی کیفری نیز مطرح می‌شود که از اهمیت بالایی برخوردار است. مثلاً در امور خانوادگی در کشور استرالیا نحوه مشارکت کودکان از طریق گزارش مشاور خانواده است که گزارش خانوادگی نامیده می‌شود. این گزارش شامل نظر کودک و توصیه‌های مشاور با در نظر گرفتن مصلحت کودک می‌باشد و یا در ایالت انتاریو کانادا دادگاه موضوعات خانوادگی را به دفتر وکیل کودکان ارجاع می‌دهد و در این دفتر کار بررسی مصلحت کودکان و اخذ نظرات آنان توسط مددکار اجتماعی صورت می‌پذیرد. البته قضات می‌توانند به صورت مستقیم با کودکان ملاقات کرده و مصاحبه کنند. (آذری و اولادی قادیکلایی، ۱۴۰۰، ۱۸۳)

طبیعتاً در هر کشور برای مسئولیت کیفری حداقل سنی مشخص شده است. افرادی که کمتر از آن سن هستند به خاطر اعمال مجرمانه تحت تعقیب و رسیدگی قرار نگرفته و النهایه مجرم شناخته نمی‌شوند، اما بقیه افراد هر چند که مجازاتشان از جنس اقدامات تأمینی و تربیتی باشد این حق را خواهند داشت که به عنوان یک موجود مستقل و واجد حق در فرآیند دادرسی کیفری مربوط به خود شرکت کنند. فرآیند دادرسی کیفری در حالت کلی به دو دسته تقسیم می‌شود: (۱) فرآیند دادرسی عمودی (۲) فرآیند دادرسی افقی. فرآیند دادرسی عمودی به این شکل است که قاضی دادگاه در رأس قرار گرفته و طرفین خصومت در فرآیند دادرسی کیفری حق مشارکت نداشته و تصمیمات نهایی بر مبنای نظر قاضی است. فرآیند دادرسی افقی که مبتنی بر آموزه‌های عدالت ترمیمی است (نجفی توانا، ۱۳۹۶، ۱۰۹) اجازه مشارکت هر چه بیشتر طرفین خصومت را در فرآیند دادرسی کیفری می‌دهد و از این طریق بر آن است که ارتباط بزه‌کار با بزه دیده و جامعه را که در نتیجه جرم گسسته شده است، ترمیم ببخشد. (غلامی، ۱۳۹۲، ۱۰۹) برای نیل به هدف مشارکت در فرآیند دادرسی کیفری کودکان باید به محتویات پرونده دسترسی داشته باشند، جلسه رسیدگی به صورت مستقل یا از طریق نماینده به وی ابلاغ شود و اجازه حضور او در فرآیند دادرسی کیفری داده شود. این نکته نیز باید در نظر گرفته شود که حق بر مشارکت و حق بر شنیده شدن که بعضاً در برخی نوشته‌ها به عنوان یک مفهوم در نظر گرفته می‌شود (میر محمدی، ۱۳۹۳، ۸۰) مفاهیمی متمایز از همدیگر بوده و حق بر مشارکت بستر و مبنایی برای نیل به حق بر شنیده شدن است.

<sup>1</sup> United Nations Guidelines for the prevention of Juvenile Delinquency (The Riyadh Guidelines) (1990).



به عنوان مطلب آخر در این بند باید افزوده شود که در حالت کلی خواه در مسائل مدنی و خواه در مسائل کیفری حق بر شنیده شدن که یکی از مبانی آن حق مشارکت است این امکان را فراهم می کند کودکان در موضوعاتی که به طور مستقیم و یا غیر مستقیم به آنان مربوط می شود و حقوق آنان را تحت تأثیر قرار می دهد در جلسات دادرسی شرکت کنند و اظهاراتشان استماع شود. از باب تمثيل در امور مدنی بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون حقوق کودک که راجع به جدایی کودک از والدین است مقرر شده است که تمام طرف های ذینفع (من جمله کودکان) باید در دادرسی شرکت کرده و نظرات خود را اظهار کنند. طبعاً این اظهار نظر توأم با احترام به نظرات آنان هم خواهد بود. همچنین بند الف ماده ۲۱ همان قانون که راجع به فرآیند فرزند خواندگی است به رضایت آگاهانه<sup>۱</sup> افراد مربوطه (من جمله کودکان) اشاره دارد.

### ۱-۳- احترام به نظرات کودکان

یکی دیگر از مبانی حق بر شنیده شدن کودکان احترام به نظرات و دیدگاه های آنان است.<sup>۲</sup> اگر به بررسی مقررات گذشته و عرف سنتی در این زمینه پرداخته شود، آشکار می شود که هم مقنن در وضع قوانین و هم مردم در عرف خود شخصیتی غیر مستقل و وابسته برای کودکان در نظر می گرفتند و این باعث می شد به نظرات آنان به عنوان یک کودک خواه در مسائل مربوط به خود آنان خواه در مسائل غیر مرتبط با آنان اهمیتی داده نشود. وضعیت خاص جسمی و روانی کودکان و جایگاه اجتماعی آنان از حیث وابسته بودن به بزرگسالان و خانواده باعث می شد کرامت انسانی آنان همواره نقض شود، حتی در برخی جوامع موقعیت کودکان را تا حد اشیاء و ابزار تنزل می دادند. (زینالی، ۱۳۸۹، ۵۵) جامعه بر این عقیده بود که کودکان فاقد خود مختاری و شخصیت مستقل بوده و آنان همواره در حل مسائل نیازمند رهنمودهای بزرگسالان هستند و بدون تأیید آنان نمی توانند کاری انجام دهند و نظرات آنان تا زمانی که از سوی بزرگسالان تأیید نشده، مطرح نمی گشت و مورد توجه واقع نمی شد. ولی با به روز شدن مقررات و شناسایی اصل کرامت ذاتی انسان ها که هر انسانی را واجد ارزش غایی تلقی می کند (زینالی، ۱۳۹۴، ۴۹) و از سوی دیگر جهانی شدن اصل حمایت ویژه از کودکان و همچنین به روز شدن عرف و آداب و رسوم جامعه کودکان به عنوان تابعان و واجدان حق تلقی شدند. اصل حمایت ویژه از کودکان در شکل گیری حمایت های ویژه از آنان نقش به سزایی داشته است. این اصل در اسناد بین المللی نظیر اعلامیه جهانی حقوق

<sup>1</sup> the informed consent.

<sup>2</sup> Respect for the views of the child.





بشر، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد پذیرش واقع شده است. (زینالی، ۱۳۸۹، ۶۲) بر همین مبنا در کنوانسیون حقوق کودک اصل حق بر شنیده شدن به عنوان حمایت ویژه که مختص کودکان است شناسایی شد. از سوی دیگر علوم همچون روان پزشکی و روانکاوی استماع کودکان را یک ضرورت برای تقویت شخصیت آنان دانستند. بدین ترتیب در قواعد بین المللی مقرراتی تصویب شد و دولت ها ملزم به اجرای این مقررات در قوانین داخلی شدند که به عقاید کودکان احترام گذاشته و به آن ترتیب اثر دهند و به نوعی حقوق بشر ذکر شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر در حق کودکان به مثابه یک انسان مجری شد.

## ۲- تفسیر کمیته حقوق کودک

کمیته حقوق کودک (CRC)<sup>۱</sup> که وظیفه تفسیر کنوانسیون حقوق کودک و نظارت بر اجرای صحیح آن را بر عهده دارد، راجع به حق بر شنیده شدن کودکان که برای اولین بار در این کنوانسیون مورد اشاره واقع شد، در دو نشست در سال های ۲۰۰۶<sup>۲</sup> و ۲۰۰۹<sup>۳</sup> تفاسیری از این حق ارائه داد. بررسی تفسیر کمیته حقوق کودک از این حیث که رافع ابهامات ایجاد شده برای حقوقدانان و کشورهای عضو از طریق تبیین و توصیف مفاهیم و عبارات به کار برده شده در متن ماده ۱۲ کنوانسیون حقوق کودک است، اهمیت بالایی دارد. از این رو موارد مهم آن تفاسیر ذیلاً بیان شده است:<sup>۴</sup>

الف) احترام به نظرات کودکان به معنای اعطای حق تعیین سرنوشت<sup>۵</sup> نیست (Hodgkin & other, 2007, 150) هر چند که حق بر شنیده شدن و احترام به نظرات کودکان در مسائلی که مربوط به آنان است باعث می شود کودکان به نسبت گذشته شخصیتی مستقل تر و به بزرگسالان وابستگی کمتری داشته باشند لکن این حق به هیچ وجه به معنای اعطای حق تعیین سرنوشت به

<sup>1</sup> Committee on the Rights Of The Child.

<sup>2</sup> Committee On The Rights Of The Child, Day Of General Discussion On The Right Of The Child To Be Heard, Forty-third session, (2006).

<sup>3</sup> Committee On The Rights Of The Child, General Comment No.12, The right of the child to be heard Fifty-first session, (2009).

<sup>4</sup> the full text of these two sessions, available at (<https://www.ohchr.org/en/hrbodies/crc/pages/crcindex.aspx>)

<sup>5</sup> The right to self-determination.



آنان نخواهد بود چرا که کودکان هر چقدر هم مستقل باشند در بسیاری از زمینه ها و اتخاذ تصمیم درست باید به تجارب بزرگسالان اتکاء نموده و از حرف آنان تبعیت کنند.

ب) کمیته آنچه به عنوان ذهنیت خیر خواهانه و رویکردهای پدرانه<sup>۱</sup> در مورد کودکان است را رد می کند. (Hodgkin & other, 2007, 150) این بند بیانگر این است که والدین به بهانه خیر خواه بودن نباید حقوق کودکان را پایمال کنند. در نگاه اول بین بند اول که حاکی از عدم استقلال کامل کودکان است و بند دوم که اقدامات خیر خواهانه از سوی والدین راجع به امورات کودکان را رد می کند، تعارضی وجود دارد اما این دو بند قابلیت جمع با یکدیگر را دارد چرا که حق بر شنیده شدن درست است که نسبت به قواعد سنتی استقلال بیشتری به کودکان اعطاء می کند اما این استقلال کامل نیست و آنان در امورات مهمه باید از بزرگسالان تبعیت کنند. النهایه با جمع بند (الف) و (ب) این نتیجه به دست خواهد آمد که کودکان از یک سو افراد واجد حق تلقی شده و باید به حقوق و مطالبات آنان احترام گذاشته شود و از سوی دیگر فاقد خود مختاری و استقلال کامل همچون بزرگسالان هستند.

پ) عبارت «کودکانی که توانایی شکل دهی به عقاید خود را دارند»<sup>۲</sup> موجود در بند اول ماده ۱۲ کنوانسیون حقوق کودک برای ارزیابی ظرفیت و توانایی های کودکان است و نباید از این عبارت برای تحدید حق بر شنیده شدن کودکان استفاده شود. پس اصل بر این خواهد بود همه افراد زیر ۱۸ سال بدون هیچ محدودیت سنی واجد این توانایی هستند.<sup>۳</sup>

ت) کودکان خواه به صورت فردی و خواه به صورت گروهی (برای مثال کودکان مدرسه، کودکان معلول) از این حق برخوردار خواهند شد. زیرا ارزیابی بلوغ و سن برای ارزش دادن به نظرات آنان در صورت گروهی بودن به نسبت فردی بودن آسان تر خواهد بود.

ث) حق بر شنیده شدن برای کودکان یک انتخاب است نه یک الزام و تعهد قانونی. این تفسیر بیانگر این است که حق بر شنیده شدن یک حق است و مثل تمامی حقوق دیگر از طرف شخص واجد آن قابلیت اسقاط دارد. اما نباید چنین برداشت شود که کشورها نیز در به رسمیت شناختن

<sup>1</sup> the charity mentality and paternalistic approaches.

<sup>2</sup> Capable of forming his or her own views.

<sup>3</sup> CRC/C/GC/12/2009/para 20 and 21.



آن مختار هستند، بلکه به رسمیت شناختن این حق در قوانین داخلی برای کشورها یک الزام است نه یک اختیار.

ج) در تمامی مسائلی که حقوق کودک را تحت تأثیر قرار می دهد کودک اجازه اظهار نظر خواهد داشت و باید نظرات وی مورد احترام قرار گیرد. این نکته در کمیته آزاد کمیسیون حقوق بشر که پیش نویس کنوانسیون حقوق کودک را تهیه کرده بود مورد تأکید قرار گرفت و پیشنهاد محدود کردن تمامی مسائل تأثیرگذار بر حقوق کودک را رد کرد. این اساسی ترین نکته در حق بر شنیده شدن و تمییز کننده این حق با اصل آزادی بیان است. چرا که مطابق حق آزادی بیان همه افراد در هر مسأله ای خواه حقوق آنان را تحت تأثیر قرار دهد خواه بی ارتباط با حقوق آنان باشد حق اظهار آزادانه عقاید خود را دارند اما در حق بر شنیده شدن، کودکان فقط در مسائلی که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم حقوق آنان را تحت تأثیر قرار می دهد، حق اظهار نظر دارند.

چ) به اظهارات کودکان باید بر اساس سن و بلوغ آنان اهمیت داده شود. البته سن و بلوغ به تنهایی نمی تواند اهمیت اظهارات آنان را مشخص کند چرا که سطح درک کودکان می تواند با توجه به شاخصه هایی همچون تجربه، محیط، فرهنگ و ... متفاوت باشد. پس ذکر عبارت سن و بلوغ نشان گر این خواهد بود که اظهارات آنان باید معقول و مستقل باشد و این دو مؤلفه محدودیتی برای حق استماع اظهارات آنان ایجاد نمی کند.

ح) اعمال حق استماع توسط کودکان یا به صورت مستقیم و یا از طریق نمایندگان صورت می پذیرد. انتخاب این روش یا توسط خود کودک یا مقام صلاحیت دار در صورت لزوم و با توجه به شرایط کودک صورت می پذیرد.

خ) دولت ها باید از انجام اقدامات توکنیستی<sup>۱</sup> اجتناب کنند. توکنیستی در این بند به معنای این است که دولت ها در ظاهر اقداماتی را برای توجه به حق بر شنیده شدن انجام دهند بدون آن که در عمل به این موضوع ترتیب اثر دهند.

د) از نظر کمیته حقوق کودک حق بر شنیده شدن کودکان یکی از چهار اصل کلی کنوانسیون حقوق کودک و جزء لاینفک کنوانسیون و اصول دیگر تلقی می شود.

<sup>۱</sup> معادل واژه (tokenistic) در زبان فارسی نمونه نمایی یا نمونه کاری ذکر شده است.



### ۳- حق بر شنیده شدن در فرآیند دادرسی کیفری ایران

فرآیند دادرسی کیفری از پنج مرحله تشکیل می شود که عبارت اند از: کشف، تعقیب، تحقیق، صدور حکم و اجرای مجازات. بدیهی است حق بر شنیده شدن در هر یک از این مراحل برای کودکان موجد حقوقی است، مثلاً استماع شهادت و یا اقرار کودکان در مرحله کشف، حق داشتن شکایت در مرحله تعقیب، حق داشتن وکیل و دفاع مستقل از خود در مرحله تحقیق، حضور در جلسه دادرسی در مرحله صدور حکم و حق درخواست تجدید نظر از حکم صادره و تخفیف مجازات در مرحله اجرای حکم می تواند جلوه ای از حق بر شنیده شدن کودکان در فرآیند دادرسی کیفری باشد. در این گفتار سه مورد مهم که یکی حق شکایت برای کودکان که جزء مرحله تعقیب است و دیگری حق حضور در جلسه دادرسی و حق ارسال لایحه دفاعیه که جزء مرحله صدور حکم است مورد بررسی قرار گرفته است.

#### ۳-۱- حق شکایت

یکی از جلوه های حق بر شنیده شدن در مرحله تعقیب داشتن حق شکایت کیفری است. بنابراین همه افراد زیر ۱۸ سال باید توانایی مراجعه به دادگاه های کیفری جهت طرح شکایت کیفری را داشته باشند. در رابطه با حق شکایت کودکان مخالفان و موافقان دلایلی ذکر کرده اند. دلایل مخالفان حاکی از این است که در مدعی وجود شرایط عامه تکلیف (عقل، بلوغ، اختیار، قدرت) شرط است و برای این اشتراط شرایط عامه تکلیف دلایلی ذکر کرده اند، که عبارت اند از: الف) وجود روایاتی در این زمینه که بر بی اعتباری کلام نا بالغ و مسلوب العبارت بودن او دلالت دارد. ب) اصل بر عدم است و تا وقتی که مدعی، متصف به شرایط عامه تکلیف نباشد، دعوی او پذیرفته نیست. پ) فایده ای برای اقامه دعوا از سوی شخص غیر مکلف متصور نیست، زیرا در صورت اثبات ادعایش نمی تواند مدعی علیه را بر انجام محکوم به ملزم نماید. (زینالی، ۱۳۹۳، ۳۵) موافقان نیز بر هر یک از دلایل ذکر شده از جانب مخالفان ایراداتی وارد کرده اند که عبارت اند از: الف) روایات مذکور بر عدم اعتبار کلام شخص غیر مکلف ناظر بر معاملات است و به صورت مطلق بیان نشده است. ب) در فقه قاعده ای وجود دارد مبنی بر این که اصل در جایی کاربرد دارد که دلیلی وجود نداشته باشد.<sup>۱</sup> بنابراین در مواردی همچون وصیت که کلام شخص مراقب پذیرفته شده است محلی برای جریان اصل عدم باقی نمی ماند. پ) هیچ ملازمه ای بین قدرت بر اقامه دعوا و قدرت بر

<sup>۱</sup> الأصل دلیل حیث لا دلیل.



مطالبه حق ثابت شده وجود ندارد چرا که هیچ مانعی مبنی بر این که شخص غیر مکلف ادعای خود را ثابت کند و مطالبه آن بر عهده ولی وی باشد وجود ندارد. (زینالی، ۱۳۹۳، ۳۵). بعد از تبیین دلایل مخالفان و موافقان باید بررسی شود که آیا در قوانین داخلی ایران افراد زیر ۱۸ سال به تنهایی می توانند شکایت کیفری کنند و اگر آنان اقدام به شکایت کیفری کنند به شکایت آنان ترتیب اثر داده می شود؟ برای پاسخ به این سؤالات ابتدا باید قوانین داخلی بررسی شده، سپس نتیجه گیری شود. اصل ۳۴ قانون اساسی<sup>۱</sup> بدون آن که محدودیتی در این زمینه بیان دارد مقرر می کند همه افراد ملت حق دادخواهی دارند. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی مادتهای ۷۰ و ۷۱ در این باره حائز اهمیت هستند. ماده ۷۰<sup>۲</sup> که ناظر بر فقدان ولی یا قیم است به گونه ای تدوین شده است که افراد محجور که بر طبق ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی صغار، اشخاص غیر رشید و مجانین هستند، نمی توانند به تنهایی شکایت کیفری کنند به عبارت دیگر از مفهوم مخالف ماده ۷۰ این گونه برداشت می شود که ولی یا قیم افراد محجور ابتدائاً باید از جانب آنان اقدام به طرح شکایت کیفری کنند. همین برداشت نیز از ماده ۷۱ حاصل می شود. البته ماده ۷۱ ناظر بر این است که ولی طفل با وجود مصلحت اقدام به شکایت کیفری نکند. از این دو ماده می توان به این نتیجه رسید که افراد غیر محجور یعنی بالغان زیر ۱۸ سال به تنهایی حق شکایت کیفری دارند، اما اگر جرم جنبه مالی داشته باشد یا در مواردی که برای جبران ضرر و زیان ناشی از جرم<sup>۳</sup> تقدیم دادخواست ضروری باشد، در این باره با توجه به ملاک تبصره ۲ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی و رأی وحدت رویه شماره ۳۰ اگر افراد بالغ زیر ۱۸ سال رشید باشند، می توانند نسبت به جنبه مالی جرم نیز مبادرت به تقدیم دادخواست کنند، در غیر این صورت یعنی اگر بالغ غیر رشید باشند راجع به جنبه مالی جرایم ولی یا قیم آنان مبادرت به تقدیم دادخواست می کند.

<sup>۱</sup> دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاه های صالح رجوع نماید، همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

<sup>۲</sup> در مواردی که تعقیب کیفری، منوط به شکایت شاکی است و بزه دیده، محجور می باشد و ولی یا قیم نداشته یا به آنان دسترسی ندارد و نصب قیم نیز موجب فوت وقت یا توجه ضرر به محجور شود، تا حضور و مداخله ولی یا قیم یا نصب قیم و همچنین در صورتی که ولی یا قیم خود مرتکب جرم شده یا مداخله در آن داشته باشد، دادستان شخصی را به عنوان قیم موقت تعیین و یا خود امر کیفری را تعقیب می کند و اقدامات ضروری را برای حفظ و جمع آوری ادله جرم و جلوگیری از فرار متهم به عمل می آورد. این حکم در مواردی که بزه دیده، ولی و یا قیم او به عللی از قبیل بیهوشی قادر به شکایت نباشد نیز جاری است.

<sup>۳</sup> درباره درخواست جبران خسارت های وارده (نه تقدیم دادخواست) توسط طفل و نوجوان ر.ک به ماده ۳۷ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹.



(خالقی، ۱۳۹۶، ۱۰۶) شاید می توان دلیل عدم اجازه مقنن به طرح شکایت از سوی نا بالغان را جلوگیری از طرح شکایت واهی و جلوگیری از برهم خوردن نظم و اعتماد عمومی دانست. (گلدوست جویباری و دیگران، ۱۳۹۲، ۱۰۲)

اما اقدام شایسته ای که مقنن در راستای احقاق اهداف حق بر شنیده شدن کودکان انجام داد این بود که در ماده ۳۰ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان به طور صریح بیان کرد که تقاضای اطفال و نوجوانان همراه با جهات قانونی دیگر مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری از جهات قانونی تعقیب می باشد. از جهاتی این اقدام مقنن قابل تقدیر است: (۱) در راستای حمایت از اطفال و نوجوانان است؛ به این صورت که اگر اطفال تحت خشونت خانگی و والدین خود قرار می گرفتند که بر طبق قانون آیین دادرسی کیفری حق شکایت کیفری نداشتند، اما با تصویب این ماده آنان می توانند شکایت کنند و مقامات ذیصلاح ملزم هستند موضوع را تعقیب کنند. (۲) این اقدام در راستای تفسیر کمیته حقوق کودک است؛ زیرا در تفسیر آن کمیته محدودیت سنی برای افراد زیر ۱۸ سال در نظر گرفته نشده بود و چون داشتن حق شکایت جلوه ای از حق بر شنیده شدن است پس نباید با محدودیت سنی مواجه باشد.

در اینجا ذکر این موضوع نیز خالی از لطف نیست که در کنار شکایت کیفری موضوع دیگری نیز تحت عنوان اعلام جرم و یا گزارش جرم وجود دارد که اگر گزارش و یا اعلام جرم به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم به کودکان مربوط باشد، مقامات ذیصلاح موظف هستند، موضوع را پیگیری کنند اما اگر گزارش و یا اعلام جرم مربوط به کودکان نباشد، آن موقع شرایط مندرج در مادتين ۶۵ و ۶۷ قانون آیین دادرسی کیفری و بند ب ماده ۳۰ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان حاکم خواهد بود. این نکته نیز به عنوان پیش فرض در هر حالت وجود خواهد داشت که مقامات ذیصلاح به اظهارات کودکان تحت هر عنوانی اعم از شکایت، گزارش و یا اعلام جرم بر اساس رشد و بلوغ آنان (به عبارت دیگر معقول بودن اظهاراتشان) ترتیب اثر خواهند داد.

### ۳-۲- حضور در جلسه دادرسی

یکی از جلوه های حق بر شنیده شدن در مرحله صدور حکم حضور کودکان در جلسه دادگاه است. کودکان باید در مواردی که موضوع رسیدگی به طور مستقیم و یا غیر مستقیم به آنان مربوط می شود در جلسه رسیدگی دادگاه حضور یابند. نکته ای که شاید به ذهن خواننده نکته سنج برسد،



این خواهد بود که از یک طرف قاعده قضا‌زدایی<sup>۱</sup> یا انحراف از رسیدگی رسمی در سیستم عدالت کیفری که بر حضور هرچه کمتر کودکان در دادگاه‌ها و فرآیند رسمی کیفری تأکید می‌کند و از طرف دیگر حق بر شنیده شدن بر حضور کودکان در جلسه دادگاه و دفاع از خود و ابراز دیدگاه‌هایشان تأکید می‌کند، چگونه با یکدیگر قابل جمع خواهند بود. از نظر نویسندگان این تعارض ظاهری بوده و این دو قابل جمع با همدیگر هستند به این صورت که اولاً در هر جا اگر موضوع از مواردی باشد که بتوان قاعده قضا‌زدایی را اعمال کرد، این قاعده اعمال می‌شود در این صورت نیز حق بر شنیده شدن در فرآیند غیر رسمی رسیدگی برای کودکان محفوظ است و آنان باید دیدگاه‌هایشان را ابراز کنند و به آن اظهارات ترتیب اثر داده شود. ثانیاً اگر مورد از مواردی باشد که مشمول قضا‌زدایی نمی‌شود (مانند جرایم سنگین و جدی)<sup>۲</sup> در این صورت حق آنان خواهد بود که در دادگاه حاضر شده و اظهاراتشان توسط مقامات ذیصلاح استماع شود. باری، در این بند به حق حضور کودکان در جلسه رسیدگی پرداخته شده است و لازمه این حق احضار قبلی آنان به جلسه دادگاه است. در این مرحله به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود که آیا در قوانین ایران کودکان به جلسه رسیدگی احضار می‌شوند و در جلسه دادرسی حضور می‌یابند و از خود دفاع می‌کنند یا به جای آنان والدین و نماینده کودکان احضار شده و از کودکان دفاع می‌کنند. بهتر است ابتدائاً در این زمینه سابقه تقنینی مورد بررسی قرار گیرد تا در کنار هم قرار دادن قواعد گذشته و قواعد جدید نتیجه‌گیری بهتری صورت پذیرد.

از لحاظ سابقه تقنینی در این موضوع قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ به مقرراتی در این زمینه تصریح کرده بود. این مقررات به این صورت بود که به اتهامات کلیه افراد ۶ سال تمام تا ۱۸ سال تمام در دادگاه اطفال رسیدگی می‌شد و دادگاه وظایف ضابطان دادگستری از حیث تعقیب و تحقیق را انجام می‌داد پس از این مرحله اگر موردی برای صدور قرار منع تعقیب نبود، دادگاه قرار رسیدگی صادر و وقت رسیدگی را جهت حضور در دادگاه به سرپرست طفل و دادستان ابلاغ می‌کرد. (مستفاد از مواد ۴، ۶، ۸ قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸) آن طور که ملاحظه می‌شود احضار طفل به دادگاه پیش بینی نشده بود و به جای آن والدین متهمان طفل به دادگاه احضار می‌شدند. این قانون در رابطه با ضمانت اجرای عدم حضور والدین در دادگاه مسکوت بود.

<sup>1</sup> Diversion.

<sup>2</sup> Most serious offences.



قانون دیگر به عنوان سابقه تقنینی در این زمینه قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ است که نسبت به قانون فوق الذکر مترقی تر بود و در این زمینه صراحت بیشتری داشت. این قانون هم احضار مستقیم طفل و هم احضار از طریق ولی یا سرپرست را پیش بینی کرده بود که با احکام اسناد بین المللی در این زمینه تطابق داشت. ماده ۲۲۳ مقرر می کرد: احضار طفل برای انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی در هر مورد از طریق ولی یا سرپرست او به عمل می آید، در صورت عدم حضور برابر مقررات این قانون جلب خواهند شد. این امر مانع از احضار و جلب طفل توسط دادگاه نمی باشد. همان طور که ملاحظه می شود ضمانت اجرای عدم حضور جلب طفل بود. طفل نیز کسی بود که به سن بلوغ شرعی نرسیده بود افراد بالغ زیر هجده سال هم تابع مقررات عمومی بودند. پس این ماده به درستی اهداف ماده ۱۲ کنوانسیون حقوق کودک را برآورد می کرد که بیان می دارد کودکان باید حق خود را یا مستقیم و یا از طریق نماینده اعمال کنند و احضار کودکان همان طور که بیان شد از آثار حق بر شنیده شدن است و باید از این دو طریق اعمال شود.

با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ دوباره ابهامات موجود در قانون سال ۱۳۳۸ برگشت. با بررسی ماده ۴۱۲ و تبصره ذیل آن مشخص می شود که نه تنها برای رسیدگی به اتهام کودکان، آنان به طور مستقیم برای حضور در جلسه رسیدگی احضار نمی شوند، بلکه از طریق والدین نیز احضارشان صورت نمی گیرد. از سیاق ماده ۴۱۲ و همچنین ماده ۴۱۵ همان قانون چنین برداشت می شود که در جلسه دادرسی حضور والدین یا نماینده قانونی کودکان اهمیت دارد و آنان از کودک دفاع می کنند و فقط نوجوانان نه اطفال آن هم در جرائم درجه هفت و هشت می توانند از خود دفاع کنند. همان طور که بیان شد حق بر شنیده شدن ایجاب می کند کودکان در جلسه رسیدگی دادگاه حاضر شوند و از خود دفاع کنند و قضات ملزم هستند، اظهارات کودکان را استماع کرده و بر طبق آن اظهارات رأی صادر کنند اما متأسفانه قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ همانطور که تبیین شد چنین حقی برای کودکان قائل نشده است.

مورد دیگر که می تواند جلوه ای از حق بر شنیده شدن در مرحله صدور حکم باشد و مرتبط با حضور در جلسه دادرسی است، مربوط می شود به نحوه تنظیم رأی در اموری که مربوط به کودکان است. در حالت کلی آرای قضایی باید مستدل، مستند و موجه باشد. حق بر شنیده شدن در این مورد ایجاب می کند که اظهارات کودکان در جلسه دادرسی در آرای که مستقیماً راجع به آنان صادر می شود و یا این آرا در حقوق آنان به طور غیر مستقیم اثر می گذارد تصریح شود و هرگاه





قضات به این امر توجه نکردند، این عدم توجه و عدم تصریح اظهارات کودکان در رأی صادره موجبی برای تجدید نظر از حکم باشد.

### ۳-۳- ارسال لایحه دفاعیه به دادگاه

از دیگر جلوه های حق بر شنیده شدن در فرآیند دادرسی کیفری توانایی ارسال لایحه دفاعیه توسط کودکان به دادگاه است به نحوی که قضات دادگاه در به رسمیت شناختن و ترتیب اثر دادن به آن ملزم باشند. ارسال لایحه دفاعیه به دادگاه توسط کودکان و به رسمیت شناختن آن توسط دادگاه در حضوری و غیابی تلقی شدن رأی نیز مؤثر است، چرا که در صورت به رسمیت شناختن لایحه دفاعیه رأی حضوری و در غیر این صورت رأی غیابی خواهد بود.

در مورد ارسال لایحه دفاعیه چنین صراحتی مبنی بر این که کودکان بتوانند به دادگاه لایحه دفاعیه ارسال کنند وجود ندارد. علی الظاهر به نظر می رسد لایحه دفاعیه ارسالی از سوی کودکان فاقد ارزش در محاکم کیفری است و نمی تواند مبنای رأی حضوری قرار گیرد و ملاک حضوری تلقی شدن رأی در این امر ارسال لایحه دفاعیه از سوی والدین، سرپرستان و یا وکیل آنان است. النهایه بهتر است در تدوین قوانین و همچنین اصلاح آنها مقنن ارسال لایحه دفاعیه به دادگاه را که از جلوه های حق بر شنیده شدن است برای کودکان به طور صریح شناسایی کند.



## نتیجه گیری

از مطالبی که گفته شد می توان چنین نتیجه گرفت که حق بر شنیده شدن از اصول کلی و مهم و جزء لاینفک کنوانسیون حقوق کودک به شمار می رود و کشورهای عضو این کنوانسیون ملزم به شناسایی این حق در قوانین داخلی خود هستند. کشور ایران نیز این کنوانسیون را به صورت مشروط تصویب کرده و هرگاه مفاد این کنوانسیون بر خلاف شرع و یا قوانین موضوعه داخلی باشد اجراء نخواهد شد. اما به نظر نمی رسد که این حق بر خلاف شرع و یا قوانین موضوعه ایران باشد چرا که حق بر شنیده شدن کودکان می تواند جلوه ای از آیات شریفه ۱۷ و ۱۸ سوره مبارکه زمر باشد که یکی از خصوصیات خردمندان را گوش فرا دادن به سخنان سایر افراد قرار داده است. لذا حق بر شنیده شدن کودکان و ملزم شدن ارگان های اداری و قضایی و افراد جامعه در استماع اظهارات کودکان نه تنها امری بیهوده نیست، بلکه از ویژگی های مثبت خردمندان است. چنانچه بررسی شد در حقوق ایران نیز جلوه هایی از این حق در فرآیند دادرسی کیفری شناسایی شده است، البته جا دارد این حق از سوی قانونگذار بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

شناسایی حق بر شنیده شدن کودکان و اعمال آن در فرآیند دادرسی کیفری در حقوق ایران با دو چالش اصلی مواجه است: (۱) شناسایی این حق در قوانین اصلی: حق بر شنیده شدن کودکان باید به عنوان اصل کلی در قوانین اصلی مثل قانون اساسی یا قانون حمایت از اطفال و نوجوانان به رسمیت شناخته شود تا قوانین لاحقی که در شرف تصویب هستند و همچنین تفاسیر قضایی که از سوی دیوان عالی کشور و یا اداره حقوقی قوه قضائیه صادر می شود مبتنی و مطابق با این اصل باشد. متأسفانه در حقوق ایران و در قوانین اصلی علی الخصوص قانون حمایت از اطفال و نوجوانان که اخیراً به تصویب رسیده این حق مورد شناسایی واقع نشده است و تنها مقرر قانونی در این مورد بند ۸ ماده ۲ آیین نامه اجرایی ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان است که به لحاظ اهمیت حق بر شنیده شدن کودکان و همچنین از سوی دیگر متزلزل بودن آیین نامه به جهت عدم تصویب آن در قوه مقننه و قابلیت ابطال آن ذکر این حق در این آیین نامه موجه به نظر نمی رسد. (۲) شفاف سازی قوانین: عدم وضع قوانین شفاف و بدون ابهام یکی از ایراداتی اساسی است که بر نظام قانون گذاری ایران وارد است که قوانین مربوط به سیستم عدالت کیفری کودکان نیز از آن مصون نمانده است. عدم شفافیت قوانین مولد ابهامات زیادی هم برای قضات و هم برای کودکان و والدین آنان است که می تواند اثری سوء در سیستم عدالت کیفری داشته باشد. لذا توصیه می



---

گردد قوانینی که با حق بر شنیده شدن کودکان قرین است و جلوه های آن در این مطالعه بررسی شد مورد شفاف سازی قرار گیرد.



## منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آذری، هاجر، اولادی قادیکلایی، اعظم، (۱۴۰۰)، مطالعه تطبیقی حق مشارکت کودکان در دعوی حضانت با تأکید بر کنوانسیون حقوق کودک، دو فصلنامه بین المللی حقوق بشر، سال شانزدهم، شماره ۱.
- ۳- خالقی، علی، (۱۳۹۶)، نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ دهم، تهران، نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
- ۴- رایجیان اصلی، مهرداد، (۱۳۹۸)، درآمدی بر جرم شناسی، چاپ سوم، تهران، نشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها و پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- ۵- زینالی، امیر حمزه، (۱۳۸۹)، جهانی شدن اصل حمایت ویژه از کودکان، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره ۳۵.
- ۶- زینالی، امیر حمزه، (۱۳۹۳)، ساز و کارهای حقوق کیفری ایران در زمینه اعمال حق دادخواهی کودکان بزه دیده (حق بر شکایت کودک)، نشریه پژوهش های حقوق جزا و جرم شناسی، سال دوم، شماره ۳.
- ۷- زینالی، امیر حمزه، (۱۳۹۴)، جهانی شدن حقوق کیفری (در قلمرو حمایت از کودکان در برابر بزه دیدگی)، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- ۸- غلامی، حسین، (۱۳۹۲)، الگوها یا گونه های عدالت کیفری اطفال، مجله آموزه های حقوق کیفری دانشگاه علوم اسلامی رضوی، سال دهم، شماره ۶.
- ۹- گلدوست جویباری، رجب، غلام پور، مهدی، ناظریان، حسین، (۱۳۹۲)، تحدید حق شکایت در حقوق کیفری ایران، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ۳.
- ۱۰- محمد علی زاده اشکلک، حبیب، رشیدی، یاسر، (۱۳۹۸)، بررسی اصول دادرسی منصفانه در محاکم کیفری با توجه به قانون آیین دادرسی کیفری، نشریه آموزه های حقوق گواه، سال پنجم، شماره ۱.



۱۱- ملکوتی، سید حسین، ناصری، علیرضا، قاسم آبادی، مرتضی، (۱۳۹۵)، محدودیت های آزادی بیان در اعلامیه اسلامی حقوق بشر با رویکرد به اسناد بین المللی، نشریه حقوق اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۵۰.

۱۲- میر محمدی، مصطفی، (۱۳۹۳)، حقوق کودک (مطالعات تطبیقی در اسلام و اسناد بین المللی)، قم، انتشارات دانشگاه مفید- یونیسف.

۱۳- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، هاشم بیکی، حمید، (۱۳۹۷)، دانشنامه جرم شناسی انگلیسی، فرانسه و فارسی، چاپ پنجم، تهران، نشر گنج دانش.

۱۴- نجفی توانا، علی، (۱۳۹۶)، جرم شناسی، چاپ نوزدهم، تهران، نشر آموزش و سنجش.

15- Bahat, Ali Muhammad, "Freedom of expression from Islamic perspective", Journal of Media and Communication Studies, Vol 6, No 5, (2014).

16- Bosisio, Roberta, "Children's Right to Be Heard. What Children Think", International Journal of Children's Rights, Vol 20, No 1, (2012).

17- Committee On The Rights Of The Child, Day Of General Discussion On The Right Of The Child To Be Heard, Forty-third session, (2006).

18- Committee On The Rights Of The Child, General Comment No.12, The right of the child to be heard Fifty-first session, (2009).

19- Daci, Jordan, "Right to a fair trial under International Human Rights Law", South East European University Review (SEEU Review), Vol 4, No 2, (2008).

20- forde, louise, "Realising the Right of the Child to Participate in the Criminal Process", youth justice journal, Vol 18, No 3, (2018).

21- Hodgkin, Rachel; Newell, Peter; UNICEF, (2007), Implementation Handbook for the Convention on the Rights of the Child, Fully Revised Third Edition, Geneva, UNICEF Palais des Nations.

22- Janočková, Michaela; Ulehlová, Denisa; Vavříčková, Nikola, "The Right of a Child to be Heard and Its Influence on Court Decisions in Family Law Matters", Themis Competiton, Semi-final B –International Judicial Cooperation in Civil Matters–European Family Law, Brussels, Belgium, (2017).



---

23- Kamali, mohammad hashim, "Ethical Limit on Freedom of Expression with Special Reference to Islam", CILE Journal, Vol 2, No 2, (2014).



---

## The right of children to be heard in international instruments and their place in the Iranian criminal proceedings

D.r Salar Sadeghi<sup>1</sup> / Ali Safar Orangi<sup>2</sup>

### Abstract

This study examines the right of children to be heard, which is enshrined in Article 12 of the 1989 Convention on the Rights of the Child, as well as its place in the Iranian criminal proceedings. This right, along with other rights such as non-discrimination, growth, survival, life, highest interests, free access to information and freedom of expression, are recognized as fundamental rights of children. This right was first enshrined in the 1989 Convention on the Rights of the Child and was neglected in international instruments prior to this Convention on the Rights of the Child. Recognizing this right is very useful because children are recognized as active beings and the subject of decisions and their opinions are heard by the competent authorities. With the recognition of this right, the traditional view that children have an independent and dependent personality on adults is modified, and consequently children are given the right to actively participate in decisions. In the domestic laws of our country, this right is mentioned in paragraph 8 of Article 2 of the Executive Regulations of Article 6 of the Law on the Protection of Children and Adolescents of 1399. Since the scope of this right is wide and takes on a special effect at every stage of the criminal proceedings, it must be carefully understood in the regulations to what extent children enjoy this right in the criminal proceedings.

**keywords:** The right of children to be heard, the right to freedom of expression, the criminal procedure, the Convention on the Rights of the Child.

---

<sup>1</sup> Lecturer, PhD in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Islamic Azad University, Tabriz Branch.  
salar.n1371@gmail.com

<sup>2</sup> Master student of criminal law for children and adolescents, Faculty of Law, Allameh Tabatabaee University of Tehran. (Corresponding Author)  
orangi.ali1376@gmail.com

